



Res. article

## The Ellipsis of the Verb Phrase in Sanandaji Kurdish: A Minimalist Approach

Mojgan Osmani<sup>1</sup>, Arsalan Golfam<sup>✉2</sup>, Ferdows Aghagolzadeh<sup>3</sup>, Aliyeh Kord Zafaranlu Kambuziya<sup>4</sup>

1- Ph.D. student, Tarbiat Modares University. 2- Associate Professor, Tarbiat Modares University. 3- Associate Professor, Tarbiat Modares University. 4- Associate Professor, Tarbiat Modares University.

Received: 2018/31/12

Accepted: 2019/24/02

### Abstract

The present paper is about the ellipsis of the verb phrase construction in Sanandaji Kurdish language within the minimalist program. The ellipsis of the verb phrase construction has been challenged in recent studies in Iranian languages and various analyses have been suggested for this structure. These analyses in Persian language include (1) the v-stranding verb phrase ellipsis, (2) the null argument, (3) the DP/NP Ellipsis. Considering the affinity between Persian and Kurdish languages, many of the generalization in the ellipsis of the verb phrase construction in Persian language can be applied in Sanandaji Kurdish language. Therefore, in this article we consider verb phrase ellipsis in Persian language and then, use the result in the analyses of Sanandaji Kurdish language data. Finally, it appears that based on empirical evidence and theoretical considerations, the findings of the research indicate that the ellipsis of the verb phrase construction exists in Sanandaji Kurdish language.

**Keywords:** ellipsis of the verb phrase, v-stranding VP Ellipsis, DP/NP Ellipsis, null argument, Sanandaji Kurdish.

**Citation:** Osmani, M., Golfam, A., Aghagolzadeh, F., Kord Zafaranlu Kambuziya A. (2019). The Ellipsis of the Verb Phrase in Sanandaji Kurdish: A Minimalist Approach. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (25), 77-94. (In Persian)



## حذف گروه فعلی در زبان کردی سنندجی: رویکردی کمینه‌گرا

مژگان عثمانی<sup>۱</sup>، ارسلان گل‌فام<sup>۲</sup>، فردوس آقاگل‌زاده سیلاخور<sup>۳</sup>، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. ۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. ۳- دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. ۴- دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۵

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

### چکیده

موضوع پژوهش حاضر حذف گروه فعلی برپایه داده‌های زبان کردی سنندجی است که در چارچوب برنامه کمینه‌گرا بررسی شده است. وجود حذف گروه فعلی در مطالعاتی که به‌تازگی در زبان فارسی صورت گرفته به چالش کشیده شده و تحلیل‌های متفاوتی برای آن ارائه شده است. این تحلیل‌ها شامل ۱- حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک؛ ۲- موضوع تهی؛ ۳- حذف گروه اسمی یا گروه حرف تعریف هستند. به‌دلیل قرابتی که زبان فارسی با زبان کردی دارد، بسیاری از تعمیم‌های صورت‌گرفته در حذف گروه فعلی در زبان فارسی می‌تواند قابل تسری به زبان کردی باشد. به این دلیل در نوشتار پیش رو ابتدا تحلیل‌های صورت‌گرفته در زبان فارسی مطالعه شده، سپس با بهره‌گیری از یافته‌ها، حذف در زبان کردی سنندجی بررسی شده است. در پایان براساس ملاحظات نظری و شواهد تجربی، استدلال شد که حذف گروه فعلی در زبان کردی سنندجی وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** حذف گروه فعلی، حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک، حذف گروه اسمی، موضوع تهی، کردی سنندجی.

**استناد:** عثمانی، مژگان؛ گل‌فام، ارسلان؛ آقاگل‌زاده سیلاخور، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۹۸). حذف گروه فعلی در زبان کردی سنندجی: رویکردی کمینه‌گرا. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷ (۲۵)، ۷۷-۹۴.

## ۱- مقدمه

حذف گروه فعلی<sup>۱</sup> یکی از موضوعاتی است که توجه نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران زیادی را به‌خود جلب کرده است. حذف به‌طور کلی بر موقعیتی دلالت دارد که در آن عناصر محذوف در سطح بازنمایی نحوی حضور دارند؛ درحالی‌که صورت آن محذوف است. در زبان کردی سنندجی ساخت‌های هم‌پایه‌ای هستند که در بند دوم پس از اعمال فرایند حذف، فعل اصلی در ساخت باقی می‌ماند. جمله (۱) مؤید این مطلب است:

1) Noža dwekæ daqiqan regækæ=i nišan minalækan da-Ø,  
 Noža yesterday exactly way-DEF=SCL.3.SG show children give.PAST.3.SG  
 min=iš dwekæ daqiqan reg ækæ=m nišan=m minalækan da  
 I-also yesterday exactly way-DEF=SCL.1.SG show=SCL.1.SG children give.PAST  
 نوژا دیروز دقیقاً راه را به بچه‌ها نشان داد، من هم نشان دادم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در بند دوم ساخت هم‌پایه جمله (۱) فعل *nišan=im da* به معنی «نشان دادن»، پس از اعمال حذف در ساخت باقی مانده است. از آنجا که فعل در زبان کردی سنندجی دارای مشخصه تصریف قوی است، با پیروی از عثمانی (۱۳۹۴) و عثمانی (در دست چاپ) فرض بر این است که پیش از اعمال حذف گروه فعلی، فعل به بیرون از جایگاه اشتقاق در پایه آن حرکت کرده است. این در حالی است که در مطالعات اخیر شواهدی مطرح شده است که بر مبنای آن، حذف گروه فعلی در زبان فارسی در چنین ساخت‌هایی نقض شده است. لازم است گفته شود که به دلیل شباهت در ساختار جملات زبان فارسی و کردی، بسیاری از تعمیم‌های صورت گرفته در حذف گروه فعلی در زبان فارسی می‌تواند قابل تسری به زبان کردی باشد، به همین دلیل تحلیل‌های متفاوتی را که برای نقض گروه فعلی در زبان فارسی مطرح شده است بررسی می‌کنیم و از یافته‌های آن برای تحلیل داده‌های زبان کردی سنندجی بهره خواهیم جست. عمده‌ترین این تحلیل‌ها که پیرامون حذف گروه فعلی مطرح شده‌اند عبارت‌اند از: ۱- حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک<sup>۲</sup> از توسروندان<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) و شعبانی (۱۳۹۵) ۲- موضوع تهی<sup>۴</sup> از هوانگ<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) ۳- حذف گروه اسمی یا گروه حرف تعریف<sup>۶</sup> از راسخی (۲۰۱۴). براساس رویکرد اول، آنچه در این ساخت‌ها حذف می‌شود گروه فعلی بزرگ است و فعل در

1. VP Ellipsis
2. v-stranding VP Ellipsis
3. M. Toosarvandani
4. null argument
5. J. Huang
6. DP / NP Ellipsis

هسته گروه فعلی کوچک باقی می‌ماند. براساس رویکرد دوم، موضوع درونی در چنین ساخت‌هایی تهی است و حذف رخ نداده است. رویکرد سوم نیز بر این مبنا است که در چنین ساخت‌هایی آنچه حذف می‌شود گروه فعلی نیست؛ بلکه گروه اسمی یا گروه حرف تعریف است.

با وجود چنین تحلیل‌هایی، مسئله‌ای که به ذهن می‌رسد این است که چه سازه‌ای در ساخت یادشده در زبان کردی سنندجی حذف می‌شود. فرضیه هم‌سو با پرسش بالا این است که گروه فعلی کوچک در زبان کردی سنندجی حذف می‌شود که در بخش تحلیل داده‌ها درستی یا نادرستی این فرضیه بررسی خواهد شد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهش مستقلی درخصوص حذف گروه فعلی در کردی سنندجی صورت نگرفته است، ضروری می‌نماید این مبحث بر مبنای ملاحظات نظری و شواهد تجربی بررسی شود. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. شواهد تجربی یا داده‌های زبانی که در این نوشتار ذکر شده است بر مبنای آموزه‌های نظری تحلیل می‌شوند. شیوه استدلال نحوی در چنین پژوهشی به این صورت است که داده‌های زبانی براساس مقدمات و نتیجه‌گیری‌های نحوی تحلیل می‌شوند. داده‌های مورد مطالعه در نوشتار پیش رو برگرفته از زبان کردی سورانی، گویش سنندجی است که در شهر سنندج به آن تکلم می‌شود. قضاوت درباره (غیر) دستوری بودن شواهد زبانی کردی سنندجی، بر مبنای شم زبانی یکی از نگارندگان که گویشور سنندجی است صورت گرفته است.

## ۲- برنامه کمیته‌گرا

همان‌طور که گفته شد پژوهش پیش رو براساس برنامه کمیته‌گرا است که صورت متأخر دستور زایشی است. پیش‌درآمد این برنامه در مقالات چامسکی<sup>۱</sup> (۱۹۹۱، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵) مطرح شد. روح حاکم بر برنامه کمیته‌گرا این است که نباید هیچ فرایند اضافه‌ای در اشتقاق وجود داشته باشد. انگاره برنامه کمیته‌گرا شامل واژگان، نظام محاسباتی، سطح بازنمایی صورت آوایی و معنایی و اصول حاکم بر آن است. در این برنامه واژگان و ساخت‌های نحوی به ترتیب درون‌داد و برون‌داد محاسبات نحوی هستند که طی فرایند اشتقاق کمیته محقق می‌شوند. نظام محاسباتی عناصر واژگانی را از واژگان گزینش می‌کند و با استفاده از عملیات نحوی ادغام و حرکت ساخت‌های نحوی را می‌سازد. برون‌داد نظام محاسباتی برای تعبیر آوایی و معنایی به صورت آوایی و معنایی ارسال می‌شود.

در ادامه محدودیت‌های مطرح‌شده در برنامه کمیته‌گرا که ناظر بر پدیده حذف هستند مطرح می‌شود. در این برنامه محدودیت‌های حاکم بر حذف شامل شرط بازیابی و شرط جواز است

(البرخت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). براساس شرط بازیابی، معنای عناصر محذوف باید از طریق مرجع زبانی از بافت قابل بازیابی باشد. شرط جواز نیز بیان‌گر این مطلب است که شرط بازیابی به‌تنهایی کافی نیست و بافت نحوی نیز در امکان وقوع حذف مؤثر است؛ بنابراین براساس شرط جواز قاعده حذف تنها در بافت‌های خاصی رخ می‌دهد و از زبانی به زبان دیگر متفاوت است؛ همچنین در این پژوهش با پیروی از هنکمر و ساگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۶)، جانسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۶ و ۲۰۰۱)؛ لزنیک<sup>۴</sup> (۱۹۹۹)، مرچنت<sup>۵</sup> (۲۰۰۱)، راس<sup>۶</sup> (۱۹۶۹)، ساگ (۱۹۸۰)، هنکمر و ساگ (۱۹۸۴)، تومیوکا<sup>۷</sup> (۱۹۹۹ و ۲۰۰۱)، کرنبروک<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) و کریمی و آزموده (۱۳۹۱ و ۱۳۹۴) بر این باوریم که عناصر محذوف در سطح بازنمایی نحوی دارای ساخت نحوی هستند و حذف در صورت آوایی رخ می‌دهد.

کریمی و آزموده (۱۳۹۱ و ۱۳۹۴) فرایند حذف گروه فعلی را نیز در چارچوب برنامه کمینه‌گرا در زبان فارسی را بررسی کرده‌اند. به‌گفته آن‌ها سه مسئله ساختاری، همانندی و تجویز در بررسی فرایند حذف اهمیت دارد. به‌باور آن‌ها در جایگاه حذف، ساختی نحوی وجود دارد که صورت آوایی آن بازنمون ندارد. منظور از همانندی این است که روابط بین عناصر حذف‌شده و گروه مرجع به‌لحاظ نحوی، معنایی یا هر دو دیدگاه به چه میزان همانند هم هستند. منظور از تجویز نیز شناسایی ساخت‌های مجاز به حذف است؛ بنابراین آن‌ها در این مقاله به بررسی بافت نحوی و شرایط حذف گروه فعلی پرداخته‌اند. ایشان به حضور ساخت نحوی برابر غیر محذوف در جایگاه حذف معتقدند. به‌باور آن‌ها بین جایگاه حذف و مرجع آن، وجود همانندی ساختاری و نه معنایی شرط ضروری است. ایشان در تأیید ادعای خود درباره همانندی نحوی در فرایند حذف دو استدلال توزیع ناهمگن جهت در حذف‌های بزرگ و رفتار استثنائی فعل کمکی *be* را مطرح می‌کنند. نکته دیگری که متذکر می‌شوند این است که تجویز ساختاری حذف گروه فعلی به‌منظور بازیابی مشخصه حذف (E) است که این مشخصه با اولین هسته نقشی حاکم بر گروه فعلی به‌طور مستقیم تجویز می‌شود. پس از ارائه تصویری کلی از چارچوب نظری مطرح در این بخش، در ادامه به بررسی رویکردهای مختلف به حذف گروه فعلی در زبان فارسی پرداخته می‌شود.

1. L. Aelbrecht
2. J. Hankamer & I. A. Sag
3. K. Johnson
4. H. Lasnik
5. J. Merchant
6. J. R. Ross
7. S. Tomioka
8. J. Craenenbroeck

### ۳- رویکردهای مختلف به حذف گروه فعلی

در مطالعاتی که به‌تازگی صورت گرفته است، قائل‌شدن به حذف گروه فعلی در زبان فارسی به چالش کشیده شده و تحلیل‌های متفاوتی از جمله: ۱- حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک؛ ۲- موضوع تهی و ۳- حذف گروه اسمی یا گروه حرف تعریف مطرح شده است که در ادامه به بررسی و نقد این تحلیل‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱- حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک

توسروندانی (۲۰۰۹) و شعبانی (۱۳۹۵) با بررسی محمول مرکب در زبان فارسی ادعا می‌کنند که در این زبان، حذف گروه فعلی کوچک وجود ندارد و قائل به حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک هستند. شعبانی (۱۳۹۵) به بررسی حذف در متمم‌بندی فعل‌های وجهی و اصلی پرداخته و بر این باور است که در زبان فارسی حذف گروه فعلی در این ساخت‌ها وجود ندارد و آن‌ها را حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک قلمداد می‌کند. دیدگاه وی در مورد ساخت‌های هم‌پایه‌ای که در هم‌پایه دوم فعل باقی می‌ماند نیز این است که این ساخت‌ها حذف گروه فعلی به‌شمار نمی‌آیند زیرا محمول اصلی جمله در آن حذف نشده است. به‌باور توسروندانی (۲۰۰۹) در ساخت محمول مرکب با پدیده‌ای به‌نام حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک روبه‌رو هستیم که در آن گروه فعلی بزرگ حذف شده و فعل کوچک در هسته گروه فعلی کوچک باقی مانده است:

2) Sohrab pirahana-ro outu na-zad, vali Rostam [~~pirahana-ro out~~] zad.<sup>۱</sup>

Sohrab shirt.PL-OBJ iron NEG-HIT.PAST.3SG but Rostam shirt.PL-OBJ iron-HIT.PAST.3SG  
'Sohrab didn't iron the shirts, but Rostam did.'

(Toosarvandani, 2009: 61)

استدلال وی مبنی بر حضور فعل در هسته گروه فعلی کوچک براساس دیدگاه فولی<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۰۵) است. فولی و همکاران (۲۰۰۵) بر این باورند که قسمت فعلی در افعال مرکب همان تظاهر هسته گروه فعلی کوچک است؛ بنابراین در جمله (۲) با توجه به اینکه جزء غیر فعلی محمول مرکب و مفعول حذف شده است، پس می‌توان گفت که فعل سبک در هسته گروه فعلی کوچک باقی مانده است.

توسروندانی (۲۰۰۹) در تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه در زبان فارسی فعل در هسته گروه فعلی

۱- آوانگاری، گلاس‌ها و ترجمه مثال‌هایی که از دیگران نقل شده است، مطابق با مقاله اصلی است.

کوچک است و به هسته گروه زمان حرکت نمی‌کند، از آزمون قید دوباره در این ساخت بهره می‌جوید. وی به نقل از جانسون (۲۰۰۸: ۲۴) از قید دوباره برای نشان‌دادن اندازه سازه‌ای که حذف می‌شود استفاده می‌کند. به این شکل که قید دوباره را دارای دو خوانش قلمداد می‌کند که خوانش‌های متفاوت به دلیل جایگاه ساختاری متفاوت این قید در ساخت است. قید دوباره در خوانش اول تکراری<sup>۱</sup> است که به وقوع کل رخداد قبلی اشاره دارد و در نمودار به گروه فعلی بزرگ متصل شده است. این قید در خوانش دوم ترمیمی<sup>۲</sup> است که به وقوع قسمت نتیجه رخداد قبلی اشاره دارد و در نمودار به گروه فعلی کوچک متصل شده است؛ بنابراین اگر گروه فعلی کوچک حذف شود، نمی‌توان خوانش دوم را برداشت کرد؛ زیرا قید به گروه فعلی بزرگ متصل شده و در دامنه حذف قرار می‌گیرد. در زبان انگلیسی جملاتی که حذف گروه فعلی کوچک در آن‌ها رخ داده است، تنها می‌توانند خوانش اول از قید دوباره را داشته باشند؛ زیرا کل گروه فعلی کوچک حذف می‌شود. این در حالی است که در زبان فارسی می‌توانیم هر دو خوانش را داشته باشیم:

- 3) a. dishab ashpazxuna-ro pak kardam. emshab-am  
 Last.night kitchen-OBJ clean DO.PAST.1SG tonight-also  
 mixam dobare [<sub>VP</sub>{<sub>AP</sub> ashpazxuna-ro pak} bo-konam].  
 WANT.PRES.1.SG again kitchen-OBJ clean SUBJ-DO.1.SG  
 ‘Last night, I cleaned the kitchen. Tonight, I will clean it again.’  
 (Toosarvandani, 2009: 76)
- b. dishab ashpazxune pak bud. Leyla omad kasif-esh kard.  
 Last night kitchen clean was Leila come.PAST.3.SG dirty-i DO.PAST.3.SG  
 Kasi na-raft pak-esh bo-kone. emshab mixam  
 nobody NEG-go.PAST.3.SG clean-it SUBJ-DO.3.SG tonight want.PRES.1.SG  
 [<sub>VP</sub>dobare {<sub>AP</sub>ashpazxuna-ro pak} bo-konam].  
 Again kitchen-OBJ clean SUBJ-DO.3.SG.  
 ‘Last night, the kitchen was clean. Leila came and dirtied it. Nobody went to clean it.  
 Tonight, I will clean it again.’  
 (Toosarvandani, 2009: 77)

به گفته وی در جمله (a) قید دوباره به گروه فعلی کوچک متصل شده و دارای خوانش تکراری است و در جمله (b) قید دوباره به گروه فعلی بزرگ متصل شده و دارای خوانش ترمیمی است. از آنجا که در زبان فارسی دو خوانش تکراری و ترمیمی را می‌توان برداشت کرد، می‌توان نتیجه گرفت آنچه در زبان فارسی حذف می‌شود، گروه فعلی بزرگ است.

### ۲-۳- موضوع تهی

تحلیل دیگری که می‌توان برای ساخت‌هایی که پس از اعمال حذف فعل در ساخت باقی می‌مانند ارائه داد، تهی‌بودن موضوع درونی یا مفعول است که هوانگ (۱۹۸۴) آن را مطرح کرده است. به‌باور وی دلیل اینکه در بند دوم در ساخت‌های هم‌پایه فعل در ساخت باقی می‌ماند این است که در بعضی از زبان‌های جهان، ممکن است موضوع‌های فعل تهی باشند. توسروندانی (۲۰۰۹) برای نپذیرفتن چنین ادعایی در زبان فارسی سه استدلال مطرح می‌کند. شاهد نخست وی این است که در جمله (۴) مفعول به‌همراه جزء غیر فعلی محمول مرکب صفت حذف شده است، این در حالی است که صفت نمی‌تواند تهی باشد:

- 4) Rostam piran-esh-o xosk kard, vali Sohrab ~~AP.piran-esh-o xosk~~ nakard.  
Rostam shirt-his-OBJ dry DO.PAST.3.SG but Sohrab ~~shirt-his-OBJ dry~~ NEG-DO.PAST.3.SG  
'Rostam dried his shirt, but Sohrab didn't.'

(Toosarvandani, 2009: 69)

همان‌طور که گفته شد در مثال (۴) از آنجا که جزء غیر فعلی محمول مرکب صفت خشک، به‌همراه مفعول پیراهن حذف شده است، بیان‌گر آن است که با پدیده موضوع تهی مواجه نیستیم. استدلال دیگری که وی مطرح می‌کند این است که موضوع تهی ممکن است دو تعبیر به‌صورت خویش‌دقیق<sup>۱</sup> و خویش‌نادقیق<sup>۲</sup> داشته باشد. درحالی‌که حذف تنها یک تعبیر دارد که آن تعبیر، برابر مرجع آن است. وی مثال (۵) را به‌منزله شاهد این گفته مطرح می‌کند:

- 5) Rostam pirahana-ro out mizane. Man *pro* out nemizanam.  
Rostam shirt.PL-OBJ iron HIT.PRES.3.SG I iron NEG-HIT.PRES.1.SG  
'Rostam will iron the shirts. I won't iron them.'  
'Rostam will iron the shirts. I won't iron anything.'

(Toosarvandani, 2009: 70)

به‌گفته‌ی وی در مثال (۵) عنصر حذف‌شده ممکن است به پیراهن‌هایی که در بند اول ذکر شده و یا به هر لباس دیگری اشاره داشته باشد. این در حالی است که در جمله (۶) که در آن حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک رخ داده است، قسمت حذف‌شده تنها می‌تواند به مرجع خود در بند قبلی اشاره داشته باشد که در جمله (۶) ذکر می‌کند:

- 6) Sohrab pirahana-ro out mizane, vali Rostam ~~[pirahana-ro out]~~ nemizane.  
Sohrab shirt.PL-OBJ iron HIT.PRES.3.SG but Rostam shirt.PL-OBJ iron NEG-HIT.PRES.3.SG



‘Sohrab will iron the shirts but Rostam won’t iron the shirts.’

(Toosarvandani, 2009: 70)

تنها خوانشی که از جمله (۶) برداشت می‌شود اشاره به *پیراهن‌هایی* است که در بند قبلی ذکر شده است. سومین استدلال وی این است که موضوع تهی مرجع *غیر زبانی*<sup>۱</sup> دارد در حالی که حذف گروه فعلی فقط مرجع *زبانی*<sup>۲</sup> دارد که در مثال (۷) مشاهده می‌شود:

7) [child picks up a broom to sweep the carpet].

**mother:**

a. Motma'en bash xub farsh ro jaru bezani.

Sure be well carpet-OBJ broom SUB-HIT.2SG

‘Be sure to sweep the carpet well.’

b. #Motma'en bash xub ~~[NP farshrojaru]~~ bezani.

Sure be well ~~carpet-OBJ broom~~ SUB-HIT.2SG

‘Be sure to sweep the carpet well.’

(Toosarvandani, 2009: 67)

در جمله (۷ b) در صورتی که فرش که مرجع آن در بافت ذکر شده است، حذف شود؛ جمله خوش ساخت نیست؛ بنابراین، وی با ارائه استدلال‌هایی، تهی بودن موضوع را در ساخت‌های یادشده در زبان فارسی نپذیرفته و همچنان قائل به حذف گروه فعلی است.

### ۳-۳- حذف گروه اسمی یا حذف گروه حرف تعریف

به‌باور راسخی (۲۰۱۴) دو نوع حذف در زبان فارسی وجود دارد: حذف گروه فعلی و حذف گروه حرف تعریف. در جملات دارای محمول مرکب، حذف گروه فعلی و در جملات دارای فعل ساده، حذف گروه حرف تعریف معین رخ می‌دهد. راسخی (۲۰۱۴) نخست با اشاره به تحلیل توسروندانی (۲۰۰۹) شواهدی ارائه می‌کند که در آن‌ها در صورتی که فعل ساده در ساخت حضور داشته باشد، آنچه رخ می‌دهد حذف گروه اسمی است. راسخی (۲۰۱۴) در حمایت از ادعای خود سه استدلال خروج<sup>۳</sup>، قیدها و محدودیت حذف مفعول را مطرح می‌کند.

استدلال اول راسخی (۲۰۱۴) خروج است که براساس آن در صورتی که یکی از موضوع‌های درونی فعل در بند دوم باقی مانده باشد، نمی‌توان گفت که با پدیده حذف گروه فعلی روبه‌رو هستیم. وی به حرکت موضوع درونی به بیرون گروه فعلی قائل نیست. ایشان با تکیه بر جمله (۸) که در آن تنها یکی از

1. non-linguistic antecedent  
2. linguistic antecedent  
3. extraction

موضوع‌های درونی فعل حذف شده است بر این باور است که در صورتی که حذف گروه فعلی رخ داده باشد، باید تمام موضوع‌های درونی حذف می‌شود:

- 8) a. az in ke Ali ketab-ro be Maryam dad tazjob=na-kard-am  
From this that Ali book-ACC to Maryam gave.3.SG surprise=Neg-did-1.SG  
'that Ali gave the book to Maryam didn't surprise me.'  
b. vali az in ke ~~ketab-ro~~ be hasan nadad tazjob = kard-am  
but from this that book-ACC to Hasan NEG-gave.3.SG surprise = did-1.SG  
'but that he didn't give (the book) to Hasan surprised me.'

(Rasekhi, 2014: 6-7)

در جمله (a b) مفعول صریح ketab حذف شده اما مفعول غیر صریح be hasan حذف نشده است؛ بنابراین به گفته وی چون یکی از موضوعات فعل در ساخت وجود ندارد، نمی‌توان گفت که حذف گروه فعلی رخ داده است و با حذف گروه اسمی مواجه هستیم. استدلال دوم راسخی (۲۰۱۴) برای نقض حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک، قیدها است. وی ابتدا با اشاره به مثال‌های دارای حذف در بند دوم ساخت هم‌پایه در زبان انگلیسی می‌گوید که در چنین ساخت‌هایی قید حذف‌شده، در بند دوم بازیابی می‌شود. این در حالی است که در ساخت‌های متناظر آن در زبان فارسی، نمی‌توان قید را بازیابی کرد، پس می‌توان نتیجه گرفت که در چنین ساخت‌هایی حذف رخ نداده است. وی در تأیید ادعای خود جمله (۹) را که در آن قید بادقت در بند دوم قابل بازیابی نیست، مطرح می‌کند:

- 9) a. az in ke Ali ketab-ro ba deqqat khund tazjobna-kard-am.  
From this that Ali book-ACC with care read.3.SG surpriseNEG-did-1.SG  
'that Ali read the book carefully didn't surprise me.'  
b. vali az in ke Maryam ~~ketab-ro~~ na-khund tazjob kard-am.  
But from this that Maryam ~~book-ACC~~ NEG-read.3.SG surprise did-1.SG  
'But that Maryam didn't read (the book) surprise me.'

(Rasekhi, 2014: 9)

به نظر وی در جمله (۹) به این دلیل که در زبان فارسی در بند دوم نمی‌توان قید بادقت را بازیابی کرد، پس گروه فعلی حذف نشده است؛ بنابراین می‌توان گفت که در چنین ساخت‌هایی حذف گروه اسمی رخ داده است.

استدلال سوم راسخی (۲۰۱۴) محدودیتی است که در حذف مفعول وجود دارد. به گفته وی در زبان فارسی تنها مفعول معرفه می‌تواند حذف شود. وی برای اثبات گفته خود از جملات (۱۰) و (۱۱) بهره می‌جوید:

- 10) a. Az inke Ali dokhtareshro be park bord tajob nakardam.  
From this that Ali daughter-POSS-ACC to park took.3.SG surprise NEG-did-1.SG  
'that Ali took his daughter to the park didn't surprise me.'
- b. vali az inke Maryam [~~dokhtareshro~~] be park nabor dtajob kardam.  
But from this that Maryam daughter-POSS-ACC to park NEG-took.3.SG surprisedid-1.SG  
'But that Maryam didn't take (her daughter) to the park surprised me.'
- 11) a. Az inke Ali ye dokhtarro be park bord tajob nakardam,  
From this that Ali a girl to park took.3.SG surprise NEG-did-1.SG  
'the fact that Ali took a girl to the park didn't surprise me.'
- b.\* vali azm inke Maryam [~~ye dokhtar~~]ro be park nabor dtajob kardam.  
But from this that Maryam a-girl to park NEG-took.3.SG surprisedid-1.SG  
'But the fact that Maryam didn't take (a girl) to the park surprised me.'

(Rasekhi, 2014: 9)

همان‌طور که مشاهده می‌شود در جمله (۱۰) گروه اسمی معرفه *dokhtaresh ro* حذف شده است و جمله دستوری است؛ اما در جمله (۱۱) گروه اسمی نکره *ye dokhtar ro* حذف شده است و جمله غیر دستوری است. راسخی (۲۰۱۴) با تکیه بر اینکه در زبان فارسی فقط مفعول معرفه حذف می‌شود، قائل به حذف گروه اسمی یا گروه حرف تعریف است. به‌باور وی چنانچه محدودیتی در معرفه یا نکره‌بودن گروه اسمی وجود داشته باشد، آنچه در ساخت حذف می‌شود حذف گروه اسمی است. وی این‌گونه استدلال می‌کند که هنگامی که گروه فعلی حذف می‌شود، نباید در حذف معرفه یا نکره‌بودن تمایزی باشد؛ بنابراین، وی نتیجه می‌گیرد که حذف گروه فعلی تحلیل مناسبی برای جمله‌های دارای فعل ساده نیست. به‌نظر نگارندگان به‌طور قطع نمی‌توان گفت که جمله (b ۱۱) غیر دستوری است؛ افزون بر این، استدلال مطرح‌شده ضعیف است و نمی‌توان بر اساس این به نتیجه بیان‌شده رسید.

#### ۴- بررسی حذف گروه فعلی در زبان کردی سنندجی

در این قسمت با بهره‌جستن از یافته‌های بخش پیشین، حذف گروه فعلی در زبان کردی سنندجی بررسی می‌شود.

#### ۴-۱- بررسی حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک در زبان کردی سنندجی

همان‌طور که گفته شد یکی از تحلیل‌هایی که برای ساخت‌های هم‌پایه‌ای که در بند دوم آن‌ها پس از اعمال فرایند حذف، فعل در ساخت باقی می‌ماند، حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک از توسروندانی (۲۰۰۹) و شعبانی (۱۳۹۵) است. ایشان ادعا می‌کنند که در زبان فارسی حذف گروه فعلی کوچک وجود ندارد، در چنین ساخت‌هایی گروه فعلی بزرگ حذف شده و فعل کوچک در هسته گروه

فعلی کوچک باقی مانده است. درخصوص قائل شدن به این نوع حذف در زبان کردی سنندجی به تحلیلی که شفیع ایلخچی (۲۰۱۶) درباره دیدگاه توسروندانی مطرح کرده است، پرداخته می‌شود. به گفته وی ایرادی که دیدگاه توسروندانی دارد این است قادر به تبیین جمله (۱۲) نیست:

12) Ali ham [~~mashin-esh-ro~~ — ~~be Sohrab~~] [<sub>NV</sub>neshun ] dad.  
Ali also ~~car-GEN.3.SG ACC to Soharab~~ show give. PAST.3.SG  
(lit.) ‘Ali also showed [~~his car to sohrab~~].’

(Shafiei ILkhechy, 2016: 22)

شفیع ایلخچی (۲۰۱۶) با پیروی از مگردومیان<sup>۱</sup> (۲۰۰۱ و ۲۰۱۲) در تحلیل جمله (۱۲) اذعان می‌دارد که در این ساخت، جزء غیر فعلی محمول مرکب به همراه فعل سبک، سازه‌ای به نام گروه محمول مرکب<sup>۲</sup> تشکیل داده‌اند که در این صورت جایگاه فعل سبک نمی‌تواند در هسته گروه فعلی کوچک باشد. در زبان کردی سنندجی نیز در صورتی که جزء غیر فعلی محمول مرکب حذف نشود، جمله دستوری خواهد بود. جمله (۱۳) مؤید این ادعا است و می‌توان گفت که در این صورت نمی‌توان به حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک قائل بود:

13) Kažwan mašin-æka=e ba Noža nišan da-Ø, min=iš  
Kažwan car-DEF=SCL.3.SG to Noža show give.PAST.3.SG, I-also  
~~mašikæka=m~~ ba-Noža nišan=im da-Ø.  
~~car-DEF=SCL.1.SG~~ to Noža show=SCL.1.SG give.PAST.3.SG  
کژوان ماشین رو به نوژا نشان داد، من هم نشان دادم.

با قائل بودن به تشکیل گروه محمول مرکب بر مبنای دیدگاه مگردومیان (۲۰۰۱ و ۲۰۱۲) نمی‌توان گفت که جزء فعلی در هسته گروه فعلی کوچک باقی مانده است؛ بنابراین، نمی‌توان به حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک در زبان کردی و فارسی قائل بود. در تأیید این ادعا در بخش‌های بعدی با استفاده از حذف در ساخت‌های هم‌پایه نشان داده می‌شود که ساختی که در زبان کردی حذف می‌شود بزرگ‌تر از گروه فعلی بزرگ است.

#### ۴-۲- بررسی موضوع تهی در زبان کردی سنندجی

استدلال دوم توسروندانی (۲۰۰۹) در نقض موضوع تهی بودن مفعول در زبان فارسی این است که موضوع تهی ممکن است دو تعبیر به صورت خوانش دقیق و خوانش نادقیق داشته باشد در حالی که حذف تنها یک تعبیر دارد که آن تعبیر، برابر مرجع آن است. به باور نگارنده گان خوانش دقیق و نادقیق،

آزمون قابل قبولی برای نقض موضوع تهی بودن در یک زبان نیست. استدلال سوم وی این است که موضوع تهی مرجع غیر زبانی دارد؛ درحالی که حذف گروه فعلی تنها مرجع زبانی دارد. نکته قابل ذکر این است که امکان دارد گاهی اوقات حذف نیز دارای مرجع غیر زبانی باشد. در جمله زیر که حذف صورت گرفته است، هیچ مرجع زبانی‌ای پیش از آن ذکر نشده است:

14) A (context): I want to open the door

B: Don't {open the door}

بنابراین در این بخش سعی بر آن است که از آزمون‌های دیگر که مطابق با ساخت زبان کردی سنندجی باشد در تحلیل داده‌های خود در نقض موضوع تهی بودن این زبان بهره جوییم.

در ادامه ابتدا دیدگاه گلدبرگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) درباره ملاک‌های تشخیص حذف از موضوع تهی مرور می‌شود؛ سپس هم‌سو با وی داده‌های زبان کردی سنندجی تحلیل می‌گردد. گلدبرگ (۲۰۰۵) با بررسی تعدادی از زبان‌های دارای ارتقا فعل اصلی از جمله عبری، ایرلندی و سواحیلی نشان می‌دهد حذفی که در داده‌های این زبان‌ها رخ می‌دهد، از نوع حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک است. وی سه مرحله برای بازشناختن موضوع تهی از حذف پیشنهاد می‌کند و می‌گوید اولین گام این است که مشخص کنیم آیا امکان عدم حضور موضوع درونی در یک زبان وجود دارد یا خیر؟ سپس باید محدودیت‌های حذف آن موضوع از جمله جاننداری/ غیر جاننداری و معین/ نامعین را شناسایی کرده و در پایان جمله‌ای بسازیم که در آن موضوع درونی را حذف کنیم.

با توجه به اینکه واژه‌بست‌ها در زبان کردی سنندجی جزء جدایی‌ناپذیر ساختار جملات هستند، به‌منظور بررسی امکان عدم حضور موضوع درونی در زبان کردی سنندجی در این بخش سعی بر آن است تا با کمک واژه‌بست‌ها به پرسش مطرح‌شده پاسخ داده شود. در زبان کردی سنندجی دو دسته ضمائر متصل وجود دارد: واژه‌بست‌های عاملی و وندهای مطابقه. واژه‌بست‌های عاملی ممکن است در ارجاع متقابل با فاعل یا مفعول باشند که در نوشتار پیش رو از آن‌ها به‌ترتیب با عنوان واژه‌بست‌های فاعلی و واژه‌بست‌های مفعولی یاد شده است. اسپنسر و لویس<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) این دو دسته از ضمائر را از هم متمایز کرده و بر این باورند که واژه‌بست‌های ضمیری مفعولی، نقش مفعول فعل را مانند ضمائر ایفا می‌کنند. درحالی که نقش وندهای مطابقه بیان رابطه نحوی میان فعل و گروه اسمی است. واژه‌بست‌های فاعلی برای مضاعف‌سازی فاعل در زمان گذشته به‌کار می‌روند؛ درحالی که واژه‌بست‌های مفعولی در

1. L. Goldberg

2. A. Spencer & A. R. Luis

زمان حال و گذشته برای اشاره به مفعول صریح یا مفعول غیر صریح به کار می‌روند؛ بنابراین در یک جمله به طور هم‌زمان هم فاعل و هم واژه‌بست فاعلی می‌تواند حضور داشته باشد. جمله (۱۵) مؤید این نکته است که در آن هم‌زمان هم فاعل **Min** و هم واژه‌بست فاعلی **im=** حضور دارند. در حالی که نمی‌توان به طور هم‌زمان هم گروه اسمی مفعول **zærf-æk-an** و هم واژه‌بست مفعولی **yan=** در ارجاع متقابل با آن حضور داشته باشد. چنین ساختی منجر به جمله غیر دستوری می‌شود. جمله‌های (۱۶) و (۱۷) این گفته را تأیید می‌کنند:

15) **Min zærf-æk-an=im**      šord-Ø  
**I** dish-DEF-PL=SCL.1.SG wash.PAST.3.SG  
من ظرف‌ها را شستم.

16) **šord=yan-im**  
wash.PAST.3.SG=OCL.3.PL=SLC.1.SG  
من آن‌ها را شستم.

17) \***Min zærf-æk-an** šord=**yan-im**  
**I** dish-DEF-PL wash.PAST.3.SG=OCL.3.PL=SLC.1.SG  
من ظرف‌ها را شستم.

بنابراین می‌توان به این تعمیم کلی دست یافت که واژه‌بست‌های ضمیری مفعولی در زبان کردی سنندجی در توزیع تکمیلی با مفعول هستند؛ همچنین موضوع درونی فعل تنها در صورتی می‌تواند در جمله نباشد که حتماً به جای آن یک واژه‌بست ضمیری مفعول بیاید و در غیر این صورت جمله غیر دستوری می‌شود:

18) \* **šord -im**  
wash.PAST.3.SG=SLC.1.SG  
من ظرف‌ها را شستم.

در صورتی که مفعول و واژه‌بست در جمله بالا حضور نداشته باشد، معنی *من ظرف‌ها را شستم* از آن براشت نمی‌شود؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که زبان کردی سنندجی یک زبان موضوع تهی نیست، چراکه در هر حال مفعول نمی‌تواند در جمله حذف شود مگر اینکه واژه‌بست مفعولی در جمله ذکر شود. گام بعدی در بازشناسی موضوع تهی از حذف این است که محدودیت‌هایی را در ساخت جملات یک زبان بیابیم که براساس آن موضوعی در یک جمله که قابل حذف شدن نباشد را بیابیم و جمله‌ای بسازیم که در آن همان موضوع که محدودیت تهی شدن دارد را حذف کنیم. در صورتی که ساخت حاصل دستوری باشد، می‌توان گفت که با پدیده حذف روبه‌رو هستیم. در اینجا می‌توان از ساختار

افعال دومفعولی که ذکر هر دو مفعول در ساخت ضروری است به مثابه محدودیتی که در حذف مفعول وجود دارد، بهره جست. شهبواری (۲۰۱۶) انواع افعال دومفعولی در زبان فارسی را بررسی کرده است. وی افعال متعدی را به لحاظ ضرورت حضور مفعول در پیوستاری قرار می‌دهد و در این میان، به افعالی همچون *دادن*، *فرستادن*، *رساندن*، *سپردن*، *گرفتن*، *شناساندن* و *شورانیدن* با عنوان *دومفعولی‌های کامل*<sup>۱</sup> اشاره می‌کند و حضور هر دو مفعول را در ساختار جملاتی که دارای چنین افعالی باشند ضروری می‌داند و در صورتی که یکی از این مفعول‌ها در جمله حذف شود، جمله غیر دستوری می‌شود. در زبان کردی سنندجی نیز، مفعول غیر صریح در این جملات ضروری است و حذف آن‌ها جملات غیر دستوری تولید می‌کند. جمله (b ۱۹) مؤید این ادعا است:

19) a. Noža kitew-ækæ=i da-Ø bæ Sirwan  
 Noža book-DEF=SCL.3.SG give.PAST.3.SG to Sirwan  
 نوژا کتاب رو به سیروان داد.

b. \*Noža kitew-ækæ=i da-Ø  
 Noža book-DEF=SCL.3.SG give.PAST.3.SG  
 نوژا کتاب رو داد.

بنابراین محدودیتی که در این ساخت هست این است که نمی‌توان یکی از مفعول‌های افعال دومفعولی را حذف کرد. هم‌سو با گلدبرگ (۲۰۰۵) در گام سوم بازشناختن موضوع تهی از حذف، جمله‌ای می‌سازیم که در آن موضوع دارای محدودیت حذف شدن را حذف می‌کنیم:

20) Noža kitew-ækæ=i da-Ø bæ Sirwan, min=iš da=m  
 Noža book-DEF=SCL.3.SG give.PAST.3.SG to Sirwan, I=also give.PAST.3.SG =SCL.1.SG  
 نوژا کتاب رو به سیروان داد، من هم دادم.

با توجه به اینکه در جمله بالا مفعول غیر صریح که محدودیت تهی شدن را دارد حذف شده است و جمله دستوری است، این گونه استدلال می‌شود که حذف صورت گرفته است؛ بنابراین با پیروی از گلدبرگ (۲۰۰۵) استدلال می‌شود که در زبان کردی سنندجی به حذف گروه فعلی و نه موضوع تهی قائل هستیم.

#### ۳-۴- بررسی حذف گروه اسمی در زبان کردی سنندجی

در این بخش از دیدگاه شفيعی ایلخچی (۲۰۱۵) که به نقض حذف گروه اسمی در زبان فارسی پرداخته بهره می‌جویم. به گفته وی چنانچه ساختی باشد که در آن افزون بر مفعول صریح و مفعول غیر

صریح، جزء غیر فعلی محمول مرکب نیز حذف شود، می‌توان نتیجه گرفت گروه فعلی حذف شده است. در واقع چنین ساختی نشان می‌دهد سازه‌های بزرگ‌تر از گروه اسمی حذف شده است، پس می‌توان گفت که گروه فعلی و نه گروه اسمی حذف شده است. در جمله (۲۱) افزون بر مفعول صریح ræfeq-æk-an-i به معنی دوستانش و مفعول غیر صریح bo memeani به معنی به مهمانی، جزء غیر فعلی محمول مرکب da'wæt به معنی دعوت نیز حذف شده است:

21) Žila ræfeq-æk-an-i bo memeani da'wæt æ-kat, wæle min  
 Žila friend-DEF-PL-3.SG.GEN to party invitation IMPERF-do.PRES.3.SG, but I  
 Ræfeq-æk-an-im bo memeani da'wæt na-k-æm.  
 friend-DEF-PL-1.SG.GEN to party invitation NEG-do.PRES.1.SG  
 ژیلای دوستانش را به مهمانی دعوت می‌کند، ولی من دوستانم را به مهمانی دعوت نمی‌کنم.

همان‌طور که مشاهده شد در جمله (۲۱) افزون بر مفعول صریح و مفعول غیر صریح، جزء غیر فعلی محمول مرکب نیز حذف شده است؛ بنابراین با پیروی از شفیع ایلخچی (۲۰۱۶) چنین ساختی نشان می‌دهد سازه‌های بزرگ‌تر از گروه اسمی حذف شده است.

### ۵- حذف گروه فعلی کوچک در زبان کردی سنندجی

در بخش‌های قبلی با ارائه شواهدی از زبان کردی سنندجی تحلیل‌های حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک، موضوع تهی و حذف گروه اسمی در زبان کردی سنندجی رد شد. در این بخش تلاش می‌شود با مطرح کردن استدلالی حذف گروه فعلی کوچک در زبان کردی سنندجی نشان داده شود. پیش‌بینی می‌شود که در صورتی که در بند دوم ساخت هم‌پایه، سازه بزرگ‌تری از گروه فعلی بزرگ حذف شود، می‌توان استدلال کرد که آنچه در زبان کردی سنندجی حذف می‌شود گروه فعلی کوچک است. در واقع چنانچه در بند دوم جملات هم‌پایه مفعول صریح، مفعول غیر صریح، جزء غیر فعلی محمول مرکب به همراه قید حذف شود، می‌توان گفت که سازه‌های بزرگ‌تر از گروه فعلی بزرگ حذف شده است:

22) Noža dwekæ daqiqan regækæ= nišan minalækan da-Ø,  
 Noža yesterday exactly way-DEF=SCL.3.SG show children give.PAST.3.SG  
 min=iš dwekæ daqiqan reg-ækæ=m bæ minalækan nišan=m da / da=m  
 I=also yesterday exactly way-DEF=SCL.1.SG show children give.PAST=SCL.1.SG  
 نوژا دیروز دقیقاً راه را به بچه‌ها نشان داد، من هم دادم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در جمله (۲۲) مفعول صریح regækæ به معنی راه، مفعول غیر صریح minalækan به معنی بچه‌ها، جزء غیر فعلی محمول مرکب nišan به معنی نشان و قید dwekæ به معنی



دیروز و قید *daqiqan* به معنی دقیقاً همگی مشمول حذف واقع می‌شوند. در زیر، مثال دیگری که در آن مفعول صریح، مفعول غیر صریح، جزء غیر فعلی محمول مرکب به همراه قید حذف شده است را شاهد آورده‌ایم:

23) *Žila imro ræfeq-æk-an-i bo memeani da'wæt ækat,*  
*Žila today friend-DEF-PL-3.SG.GEN to party invitation IMPERF-do.PRES.3.SG,*  
*Nožai=š imro Ræfeq-æk-an-i bo memeani da'wæt akæ / akæ.*  
*Nožaiš=alsotoday friend-DEF-PL-1.SG.GEN to partyinvitation invitation IMPERF- do.PRES.3.SG.*  
 ژایلا امروز دوستانش را به مهمانی دعوت می‌کند، نوژا هم امروز دوستانش را به مهمانی دعوت می‌کند.

با قائل شدن به این امر که قید زمان *دیروز* در جمله (۲۲) و *امروز* در جمله (۲۳) به فرافکن بیشینه گروه فعلی کوچک متصل شده است، می‌توان گفت که با حذف مفعول صریح، مفعول غیر صریح، جزء غیر فعلی محمول مرکب به همراه قید فرضیه حذف گروه فعلی کوچک در زبان کردی سندجی تأیید می‌شود؛ زیرا عناصر چنین ساختی در گستره وسیع‌تری از گروه فعلی بزرگ قرار دارند. بر اساس این می‌توان نتیجه گرفت که آنچه در زبان کردی سندجی حذف شده است، بزرگ‌تر از گروه اسمی و گروه فعلی بزرگ است؛ به دیگر سخن در این ساخت‌ها با حذف گروه فعلی کوچک روبه‌رو هستیم.

## ۶- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی ساخت‌های هم‌پایه‌ای پرداخته شد که پس از اعمال حذف در بند دوم آن‌ها، فعل در ساخت باقی می‌ماند. رویکردهای متفاوتی برای چنین ساختی در زبان فارسی مطرح شده است از جمله: ۱- حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک از توسروندانی (۲۰۰۹) و شعبانی (۱۳۹۵)؛ ۲- موضوع تهی از هوانگ (۱۹۸۴)؛ ۳- حذف گروه اسمی یا گروه حرف تعریف از راسخی (۲۰۱۴). رویکرد اول بر این باور است که در چنین ساخت‌هایی آنچه در زبان فارسی حذف می‌شود گروه فعلی بزرگ است و فعل در هسته گروه فعلی کوچک باقی می‌ماند. براساس رویکرد دوم در چنین ساخت‌هایی در واقع موضوع درونی تهی است و حذف رخ نداده است. رویکرد سوم نیز بر این اساس است که در چنین ساخت‌هایی آنچه حذف می‌شود گروه اسمی یا گروه حرف تعریف است نه گروه فعلی. در بخش پنجم مقاله رویکردهای مطرح‌شده در زبان کردی سندجی بررسی شد و نشان داده شد که آنچه در زبان کردی در چنین ساخت‌هایی حذف می‌شود، گروه فعلی کوچک است.

## منابع

شعبانی، منصور (۱۳۹۵). حذف گروه فعلی با ابقای فعل کوچک در فارسی: رویکردی کمینه‌گرا. *دوماهنامه*

جستارهای زبانی، ۷ (۵)، صص ۹۷-۱۱۸.

عثمانی، تحسین (۱۳۹۴). حرکت فعل در زبان کردی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی. دانشگاه تهران

عثمانی، مزگان (در دست چاپ). حرکت فعل اصلی در زبان کردی سنندجی: رویکردی کمینه‌گرا. دوماهنامه جستارهای زبانی.

کریمی، یادگار و حسن آزموده (۱۳۹۱). حذف گروه فعلی در زبان فارسی: مسئله ساختاری. پژوهش‌های زبانی، ۳ (۲)، ۷۷-۹۴.

----- (۱۳۹۴). حذف گروه فعلی در زبان فارسی: مسئله همانندی و تجویز. پژوهش‌های زبانی، ۲ (۲)، ۱۰۱-۱۲۰.

Aelbrecht, L. (2010). *The Syntactic Licensing of Ellipsis*. Amsterdam/New York: John Benjamins.

Chomsky, N. (1991). Some Notes on Economy of Derivation and Representation. *AnuariodelSeminaro de Filologia Vasca*. Julio de Urquijo. 53-82.

----- (1993). A minimalist program for linguistic theory. In: K. Hale & S. J. Keyser (Eds.), *The View from Building 20*. Cambridge, (pp. 1-52). MA: MIT Press. (Reprinted in Chomsky (1995), 167-217).

----- (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge. Mass: MIT Press.

Craenenbroeck, J. van. (2010). *The Syntax of Ellipsis: Evidence from Dutch Dialects*. Oxford: OUP.

Folli, R., H. Harley & S. Karimi, (2005). Determinants of Event Type in Persian Complex predicates. *Lingua*. 115 (10), 1365-1401.

Goldberg, L. (2005). *Verb-Stranding VP Ellipsis: A cross-linguistic study*. Ph.D. dissertation, McGill University, Montreal.

Hankamer, J. & I. A. Sag. (1976). Deep and Surface Anaphora. *Linguistic Inquiry*, 7 (3), 391-426.

----- (1984). Toward a Theory of Anaphoric Processing. *Linguistics and Philosophy*, 7 (3), 325-345 .

Huang, J. (1984). On the distribution and reference of empty pronouns. *Linguistic Inquiry*, 15 (4), 531-574

Johnson, K. (1996). When verb phrases go missing. *Glott International* 2, 3-9.

----- (2001). What VP Ellipsis Can do, and What it can't, but not why. In: M. Baltin & C. Collins (Eds.), *The handbook of contemporary syntactic theory*, (pp. 439-479). Oxford: Blackwell.

----- (2008). How to be Quiet. In: N. Adams, A. Cooper, F. Parril & T. Wier (Eds.), *Proceedings of the 40th Annual Meeting of the Chicago Linguistic Society*, (pp. 1-20). Chicago: Chicago Linguistic Society.

Lasnik, H. (1999). On Feature Strength: Three Minimalist Approaches to Overt Movemet. *Linguistic Inquiry*, 30, 197-217.

Megerdooimian, K. (2001). Event Structure and Complex Predicates in Persian. *Canadian*

- Journal of Linguistics*, 46 (1), 97-126.
- (2012). The Status of the nominal in Persian complex predicates. *Natural Language & Linguistic Theory*, 30 (1), 179-216.
- Merchant, J. (2001). *The Syntax of Silence: Sluicing, islands and the Theory of Ellipsis*. New York: Oxford University Press.
- Rasekhi, V. (2014). *Missing Object in Persian*. Ms. Stony brook University.
- Ross, J. R. (1969). Guess who?. In: R. Binnick, A. Davidson, G. Green & J. Morgan (Eds.), *Papers from the fifth regional meeting of the Chicago Linguistic Society*, (pp. 252-286). Chicago: Chicago Linguistic Society.
- Sag, I. A. (1980). *Deletion and Logical Form*. New York: Garland Press.
- Shafiei-ILkhechy, N. (2015). Ellipsis in Persian Complex Predicates: VVPE or Something Else. *Annual Conference of the Canadian Linguistic* 1-15.
- (2016) *Persian Complex Predicates: Evidence for Verb Movement from Ellipsis and Negatipn*. Doctoral Dissertation, University of Calgary (Canada).
- Shahsavari, A. (2016). Di-transitive Construction in Persian Based on the Minimalist Program. *International Journal of English Linguistics*, 6 (7), 8-20.
- Spencer, A., & A. R. Luis (2012). *Clitics: an introduction*. Cambridge University Press.
- Tomioka, S. (1999). A Sloppy Identity Puzzle. *Natural language Semantics* 7 (2), 217-241.
- (2001). On a Certain Scope Asymmetry in VP Ellipsis Contexts. In: C. Rohrer, A. Roßduetscher & H. kamp (Eds.), *Linguistic form and its Computation*, (pp. 183-204). Stanford: CSLI.
- Toosarvandani, M. (2009). Ellipsis in Farsi Complex Predicates. *Syntax*, 12 (1), 60-92.